

عشق، حواس را از دیدن عیبها منع می‌کند.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار چهار صد و دو چهارشنبه ۷ عقرب / آبان ۱۳۹۳ ۵ محرم الحرام ۱۴۳۵ ۲۹ اکتوبر ۲۰۱۴

اشرف غنی احمدزی:

چین افغانستان را به مرکز صنعت معادن دنیا مبدل می‌تواند



اشرف غنی احمدزی رئیس‌جمهور افغانستان می‌گوید، چین از سرمایه‌گذاران عمده بخش معادن، گاز و تیل در افغانستان است و می‌تواند افغانستان را به مرکز صنعت معادن مبدل سازد.

آقای احمدزی در مصاحبه با خبرگزاری رسمی چین گفته است: «چین و افغانستان با تهدیدات مشابه مواجه اند و همین تهدیدات، دو کشور را به همکاری‌های بیشتر وامی‌دارد.»

اشرف غنی احمدزی رئیس‌جمهور افغانستان به خبرگزاری شین‌هوای چین گفته است،... ادامه صفحه ۶

آگاهان در پیوند به افزایش ناامنی‌ها:

طالبان در صدد امتیازگیری هستند



صفحه ۶

چند غیر نظامی در جنگ سیزده ساله کشته شده است؟



نتیجه مستقیم با غیر مستقیم جنگ افغانستان در سال نخست کشته شدند. این در حالی است که روزنامه لس آنجلس تایمز گزارش داد، در نخستین سال از جنگ افغانستان ۱۲۰۱ تن کشته شدند که البته این آمار از گزارش‌های تأیید نشده، برگرفته شده است. چنین اختلافات فاحشی در آمارها بر دشواری تأیید و اثبات این داده‌ها در مناطق جنگی تأکید دارد.

اواخر جنگ افغانستان هیأت کمک رسان سازمان ملل در افغانستان تلاش کرد تا با جمع آوری داده‌ها در یک مرکز داده به این مشکل رسیده‌گی کند. تمامی کشته شده‌گانی که آن‌ها ثبت می‌کردند کاملاً تأیید شده هستند.

آمارهای آن‌ها که به سال‌های ۲۰۰۷ تا پایان جون ۲۰۱۴ میلادی مربوط می‌شود، حاکی از آن است که در جنگ افغانستان ۱۱ هزار و ۶۱۴ تن کشته شدند. با این حال این آمار که با روش‌های بسیار دقیقی به دست آمده تنها نیمی از ۱۳ سال جنگ افغانستان را پوشش داده و احتمالاً تعداد کشته شده‌گان این آمار... ادامه صفحه ۶

با خروج آخرین نیروهای انگلیسی از افغانستان و پایان رسمی ماموریت نظامی بریتانیا در این کشور پس از ۱۳ سال اکنون سوال این است چه تعداد افغان در این دوران کشته شدند؟

به نوشته روزنامه ایندپندنت، در حالی که کشته شدن ۴۵۳ نیروی ارتش انگلیس با دقت ثبت شده، ارزیابی تعداد بسیار زیاد غیرنظامیان کشته شده بدون در نظر گرفتن مجروحین جسمی و روحی، کار بسیار دشواری است.

در سال‌های اولیه این جنگ که در اکتبر سال ۲۰۰۱ میلادی آغاز شد، اکثر گزارش‌ها درباره تلفات غیرنظامیان از طریق مطبوعات منتشر می‌شد.

روزنامه گاردین با استفاده از داده‌های آژانس‌های امداد رسان گزارش داد، احتمالاً ۲۰ هزار تن در

نتیجه مستقیم با غیر مستقیم جنگ افغانستان در سال نخست کشته شدند. این در حالی است که روزنامه لس آنجلس تایمز گزارش داد، در نخستین سال از جنگ افغانستان ۱۲۰۱ تن کشته شدند که البته این آمار از گزارش‌های تأیید نشده، برگرفته شده است. چنین اختلافات فاحشی در آمارها بر دشواری تأیید و اثبات این داده‌ها در مناطق جنگی تأکید دارد.

اواخر جنگ افغانستان هیأت کمک رسان سازمان ملل در افغانستان تلاش کرد تا با جمع آوری داده‌ها در یک مرکز داده به این مشکل رسیده‌گی کند. تمامی کشته شده‌گانی که آن‌ها ثبت می‌کردند کاملاً تأیید شده هستند.

آمارهای آن‌ها که به سال‌های ۲۰۰۷ تا پایان جون ۲۰۱۴ میلادی مربوط می‌شود، حاکی از آن است که در جنگ افغانستان ۱۱ هزار و ۶۱۴ تن کشته شدند. با این حال این آمار که با روش‌های بسیار دقیقی به دست آمده تنها نیمی از ۱۳ سال جنگ افغانستان را پوشش داده و احتمالاً تعداد کشته شده‌گان این آمار...

هند به پاکستان:

اجازه دهید به افغانستان گندم صادر کنیم



روپیه در هر تن است. افغانستان به رغم این که یک کشور زراعتی است؛ سالانه میلیون‌ها تن گندم از پاکستان و کشورهای آسیای میانه وارد می‌کند. این کشور تا اکنون نتوانسته در راستای خودکفایی گام بردارد.

دهلی از اسلام‌آباد تقاضا کرده تا اجازه دهد از خاک این کشور برای صادرات گندم به افغانستان استفاده کند، اما اداره صنعت آرد و نان پاکستان به این موضوع اعتراض دارد.

هند از پاکستان خواسته اجازه دهد تا میلیون‌ها تن گندم را از طریق مسیر زمینی این کشور به افغانستان صادر کند.

این درخواست اعتراض گسترده فعالان صنعت آرد و گندم پاکستان را در پی داشته و این فعالان هشدار داده‌اند که اعتراضاتی برپا می‌کنند. گفته می‌شود گندم هند با قیمت ۲۹۰۰ روپیه در هر تن در بازار افغانستان به فروش می‌رسد و این در حالی است که قیمت گندم پاکستان ۳۴۰۰ روپیه در هر تن است.

نامزدان معترض شوراهای ولایتی:

مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی علنی محاکمه شوند



شماری از نامزدان معترض در شوراهای ولایتی روز گذشته طی تظاهراتی خواهان محاکمه مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی شدند.

شماری از نامزدان شوراهای ولایتی در مورد فیصله‌های کمیسیون‌های انتخاباتی روز گذشته در مقابل کمیسیون انتخابات دست به تظاهرات زدند.

نامزدان معترض... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



نشانه‌های به حاشیه رفتن توافقات سیاسی

نگاهی اجمالی به آرای ویلدورانت در باب زیبایی



درباره پیشگفتار مارکس بر ویراست اول سرمایه



سناتوران با انتقاد از گسترش ناامنی؛ اراده دولت وحدت ملی سست شده است



احمد عمران

نشانه‌های به حاشیه رفتن توافقات سیاسی

این اصول است و اگر از آن‌ها عدول صورت گیرد، معنای نقض توافقات سیاسی را می‌دهد.

نقض توافقات سیاسی هم می‌تواند پیامدهای خود را داشته باشد. این‌گونه نیست که چیزهایی روی یخ نوشته شده باشند و آن‌گاه آن‌ها را در آفتاب گذاشت. توافقات سیاسی خاک به چشم مردم زدن نباید تلقی شود. هرگونه تخطی از متن توافقات می‌تواند جامعه را دچار آشوب سازد. سروصدهایی که از چند روز پیش در رسانه‌های کشور شنیده می‌شود، ناشی از بی‌اعتنایی رییس‌جمهوری به توافقات سیاسی است. برخی از آگاهان و اعضای جامعه مدنی هشدار داده‌اند که هرگونه برخورد سطحی‌نگرانه با توافقات سیاسی، قدرت را به سمت فردی شدن سوق خواهد داد.

توافقات سیاسی بر این امر استوار اند که قدرت را دوباره به مردم برگرداند و سطح پاسخ‌گویی نظام را ارتقا بخشد. به همین دلیل یکی از بندهای توافقات سیاسی، موضوع برگزاری لویه‌جرگه و تغییر در قانون اساسی را مطرح می‌کند. بر اساس این بند از توافقات سیاسی، دولت وحدت ملی وظیفه دارد ظرف دو سال شرایط را برای برگزاری لویه جرگه قانون اساسی فراهم ساخته و شکل نظام را از ریاستی به صدارتی تغییر دهد. در حال حاضر هم بر اساس توافقات سیاسی، از دکتر عبدالله عبدالله به عنوان صدراعظم ریاست اجراییه نام برده می‌شود. این‌ها همه گویای این است که در طرح توافقات سیاسی، دو تن به عنوان سران دولت وحدت ملی مطرح‌اند و این دو نفر اند که تصمیمات کلان کشوری را گرفته می‌توانند.

اما حرکت‌های روزهای اخیر رییس‌جمهوری چندان نشانه‌های روشنی از تعهد به توافقات سیاسی را بازتاب نمی‌دهند. همین مسأله باعث نگرانی در سطح جامعه شده و برخی‌ها را به واکنش واداشته است. واکنش به این مسأله که «جایگاه رییس شورای اجراییه در دولت وحدت ملی واقعا چیست؟ و چرا در خبرهای تلویزیون ملی که عملاً از ارگ هدایت می‌گردد، از آقای عبدالله در رده چهارم نام برده می‌شود؟» این مسایل شاید در نظر اول، بسیار سطحی و حتا پیش پا افتاده به نظر برسند، ولی به هیچ‌وجه سطحی و پیش پا افتاده نیستند؛ چنان‌که افصح‌المتکلمین در حکایتی آن را به شیرینی بیان کرده است: «آورده‌اند که نوشین‌روان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود، غلامی به روستا رفت تا نمک آرد؛ نوشیروان گفت نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند: از این قدر چه خلل آید. گفت: بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد برو مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده. اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی / برآوردن غلامان او درخت از بیخ / به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد / زند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ».

برخی مواد قانون اساسی به حالت تعلیق قرار گرفته است. تجربه کنیا که منجر به تأسیس دولت وحدت ملی در آن کشور شد، نشان می‌دهد که دو تیم انتخاباتی پس از جنجال‌های زیاد سرانجام تن به تشکیل دولت وحدت ملی دادند و صلاحیت‌ها و وظایف میان دو تیم انتخاباتی به گونه مساویانه تقسیم شد.

طرح ایجاد دولت وحدت ملی در کنیا موفقانه صورت گرفت و رهبران آن نشان دادند که خواهان برقراری صلح و فرو نشاندن تنش‌های گروهی و قومی هستند. در افغانستان نیز تشکیل دولت وحدت ملی با میانجی‌گری متحدان بین‌المللی و

در روزهای اخیر، برخی گام‌های رییس‌جمهور غنی این نگرانی را در میان آگاهان سیاسی افزایش بخشیده که توافقات سیاسی میان دو تیم انتخاباتی که به شکل‌گیری دولت وحدت ملی انجامید، در حال به حاشیه رفتن است. برخی‌ها به این باور اند که دولت وحدت ملی برآیند یک توافق سیاسی است و به همین دلیل برخی مفاد و مواد قانون اساسی تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد.

سفر رییس‌جمهوری به عربستان و به دنبال آن به چین، این شایبه را تقویت کرده است که رییس‌جمهوری تعهد چندانی به توافقات سیاسی از خود نشان



نمی‌دهد. به گفته آگاهان، میان اشرف‌غنی احمدزی و دکتر عبدالله عبدالله توافق صورت گرفته بود که در هنگام سفر به خارج، رییس‌جمهوری هیچ فرمانی مبنی بر سرپرستی امضا نمی‌کند و رییس‌اجراییه در غیاب او به‌صورت عادی به وظایف ریاست جمهوری نیز رسیده‌گی خواهد کرد. اما در سفر عربستان شاهد بودیم که معاون دوم ریاست‌جمهوری عملاً به عنوان سرپرست ریاست جمهوری ظاهر شد. هرچند بر اساس قانون اساسی، چنین امری پذیرفتنی است، اما در صورت توجه به توافقات سیاسی می‌توان اذعان کرد که موضوع در مغایرت با توافقات سیاسی قرار می‌گیرد. دولت وحدت ملی، دولتی در وضعیت ویژه است؛ دولتی که مشروعیت خود را نه از انتخابات می‌گیرد و نه می‌تواند به تمام تعهدات قانون اساسی در عرصه دولت‌داری و صلاحیت‌های رییس‌جمهوری گردن نهد. در کشورهایی که به دنبال بحران انتخابات، مجبور به ایجاد دولت وحدت ملی شده‌اند،

سفر رییس‌جمهوری به عربستان، هیچ محلی از گفت‌وگو وجود ندارد؛ بنابراین باید توصیه کرد که سفرهای رییس‌جمهور نباید از این‌پس روی مسایل کمپاینی و شخصی بچرخد. اکنون که شرایط طبق میل جناب اشرف‌غنی مهیا شده است، باید گوشه چشمی نیز به مردم و منافع کشور داشته باشند که از قضا سفر به چین می‌تواند در راستای تأمین منافع ملی‌مان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

روابط با چین سوی سیاسی بودن و تجاری بودنش، در زمینه فرهنگ و تحکیم روابط فرهنگی نیز قابل توجه است. زیرا هزاره‌هاست که ما در یک حوزه تمدنی زنده‌گی می‌کنیم و نیز ساکنان مشترک دو سوی راه ابریشم هستیم. آن‌چه را که آقای غنی در این زمینه می‌تواند مورد تأکید قرار دهد، رشد و گسترش روابط فرهنگی است که شاید تا اندازه زیادی کشورمان را از چنگ هیولای تروریسم و خشونت ناشی از جزم‌اندیشی نجات دهد.

سخن‌ماندگار

بایدهای سفر رییس

دولت وحدت ملی به چین

اشرف‌غنی احمدزی برای نخستین‌بار پس از رسیدن به قدرت، به چین سفر کرد. شماری از تاجران و وزرای دولت نیز در این سفر با او همراه‌اند. بر بنیاد خبرنامه ریاست‌جمهوری، این سفر به دعوت رسمی رییس‌جمهور چین و به‌هدف امضای برخی از پیمان‌ها صورت می‌گیرد که هنوز جزئیات آن در دست نیست.

چین یکی از قدرتمندترین کشورهای منطقه و همسایه نزدیک افغانستان است که اهمیت و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌یی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تاریخ روابط این دو کشور نشان می‌دهد که اکثراً روابط میان افغانستان و چین، رابطه فرهنگی و اقتصادی بوده است. در سیزده سال پسین، این رابطه در عرصه اقتصادی و تجاری، بیش از هر زمان دیگری محاسبه شده است؛ چندان که نزدیک به نود درصد کالاهای مورد مصرف افغانستان از چین وارد می‌شود و نیز چینی‌ها در چندین پروژه اقتصادی نظیر پروژه مس عینک با ما دست همکاری داشته‌اند.

به نظر می‌رسد که سفر کنونی رییس دولت وحدت ملی نیز در رابطه با پیمان‌های تجاری باشد که بیشتر مطرح نظر کشور چین است. اما آن‌چه در این میانه مهم می‌نماید و نیز کمتر مورد توجه دولت‌مردان افغانستان بوده، نقش سیاسی چین و تأثیرگذاری‌اش بر کشورهای منطقه است. چین جدای از این‌که یکی از بزرگ‌ترین قدرتهای اقتصادی دنیاست، در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در جهان و منطقه نیز نقش فعالی دارد. هرچند که این فعالیت از دید خیلی‌ها محسوس نیست.

نمی‌توان انکار کرد که تأثیر چین بر پاکستان بیش از هر کشور دیگری است. با توجه به روابط تیره و مبهمی که کشور ما با پاکستان داشته و دارد، وقت آن است که افغانستان از این طریق (چین) وارد مذاکرات و گفت‌وگوهای با پاکستان شود؛ به این معنا که چین می‌تواند نسبت به برخی از کشورهای دیگر، بسیار فعالانه‌تر در حوضه حل معضلات بنیادین افغانستان و پاکستان میانجی شود. بنابراین، سعی رییس دولت وحدت ملی نیز باید بر آن باشد که از قابلیت‌های بالقوه چین برای تنظیم روابط افغانستان و پاکستان استفاده کند که در حقیقت، شاهرگ‌های اقتصادی هر دو کشور در دست چین است و یقیناً که این تلاش مثمر خواهد بود.

لبه دیگر بحث نیز متوجه آقای اشرف‌غنی‌ست که شدیداً درگیر سیاست‌های داخلی شده است. به‌ویژه سعی او همواره بر به‌در کردن رقبای سیاسی از میدان است. به عنوان مثال، او در کمپاین انتخاباتی‌اش یادآوری کرده بود که نخستین سفر او پس از انتصاب به پست ریاست‌جمهوری، سفر به عربستان خواهد بود. مراد او نیز از این تصمیم روشن بود؛ او می‌خواست اطمینان خاطر مردم را به‌دست بیاورد که سخت از سکولار بودن جناب اشرف‌غنی در هراس بودند. سرانجام آقای غنی به این تصمیم جامه عمل پوشاند و سفر به عربستان را صرفاً برای اصلاح این مسأله شخصی یا تبلیغاتی خود صورت داد.

مسئلاً در شخصی بودن سفر به عربستان، هیچ محلی از گفت‌وگو وجود ندارد؛ بنابراین باید توصیه کرد که سفرهای رییس‌جمهور نباید از این‌پس روی مسایل کمپاینی و شخصی بچرخد. اکنون که شرایط طبق میل جناب اشرف‌غنی مهیا شده است، باید گوشه چشمی نیز به مردم و منافع کشور داشته باشند که از قضا سفر به چین می‌تواند در راستای تأمین منافع ملی‌مان مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

روابط با چین سوی سیاسی بودن و تجاری بودنش، در زمینه فرهنگ و تحکیم روابط فرهنگی نیز قابل توجه است. زیرا هزاره‌هاست که ما در یک حوزه تمدنی زنده‌گی می‌کنیم و نیز ساکنان مشترک دو سوی راه ابریشم هستیم. آن‌چه را که آقای غنی در این زمینه می‌تواند مورد تأکید قرار دهد، رشد و گسترش روابط فرهنگی است که شاید تا اندازه زیادی کشورمان را از چنگ هیولای تروریسم و خشونت ناشی از جزم‌اندیشی نجات دهد.

السفير

شبهات داعش با ابولا



با کمی کنکاش درباره ویروس ابولا و داعش می توان دریافت که این دو ویروس چقدر به هم شباهت دارند. ویروس ابولا که موجب ترس و نگرانی کل جهان شده است تا حد زیادی شبیه گروه تکفیری داعش است که مرگ را گسترش می دهد.

گروه تروریستی داعش و ویروس ابولا در چگونگی پیدایش خود، علل شیوع و اشاعه، قدرت شان در عبور از مرزها و کشیده شدن به دیگر مناطق نقاط اشتراک زیادی با یکدیگر دارند.

بنا به گزارش های سازمان بهداشت جهانی، اولین محل پیدایش ویروس ابولا در سودان در سال ۱۹۷۶ میلادی بوده در حالی که در اواسط دهه ۹۰ اسامه بن لادن، رهبر گروه تروریستی القاعده بعد از مرحله اولیه «جهاد» که در بیرون راندن اتحاد جماهیر شوروی سابق از افغانستان نقش داشت، مانند این ویروس در سودان اقامت گزید.

در سودان بن لادن با تامین منابع مالی آن هم از طریق سرمایه گذاری های متنوع، جذب دارایی های کانون های دینی در کشورهای حوزه خلیج فارس و دیگر کشورها برخی از افراد مسلح را در اطراف خود جمع کرد تا دوباره تشکیلات خود را به افغانستان بازگرداند که از آنجا به اجبار کوچ کرده بود. به دلیل نزدیک بودن طرز تفکرش با ملا عمر رهبر طالبان گروه تروریستی القاعده را که بعدها گروهک های تروریستی متعددی از دل آن درآمد و به تمام قاره ها و مرزها وارد شد، بنا کرد.

ویروس القاعده از بالی اندونزی به سمت قندهار افغانستان، پشاور پاکستان، بلوچستان ایران، الانبار عراق، دیرزور سوریه و عرسال لبنان شیوع پیدا کرد و تنها به پیشروی در این مناطق اکتفا نکرد، بلکه به ر مصر و کشورهای شمال آفریقا رسید و به قوی ترین شکل ممکن در حملات ۱۱ سپتامبر در نیویورک ظاهر شد و پس از آن بعد از حملات سال ۲۰۰۳ در عراق و سپس در سوریه و هم اکنون در لبنان پدیدار شده است.

برای تکمیل صحنه شیوع ویروس القاعده، ابوبکر بغدادی، رهبر گروه تروریستی داعش در عراق به منظور پیروی از اقدامات القاعده در سال ۲۰۱۳ میلادی اعلام کرد که فعالیت های خود را تا سوریه ادامه خواهد داد اما پیدایش و پیشروی داعش در صحنه منطقه ای در بهار سال ۲۰۱۴ و همزمان با اعلام پیدایش ویروس ابولا در کشورهای غرب آفریقا آشکار شد.

اما آیا دو پدیده داعش و ویروس ابولا تنها از نظر زمانی به هم شباهت دارند یا خیر در پاسخ باید

امیر کویت: خطر تقسیم برخی کشورهای عربی را تهدید می کند



امیر کویت روز سه شنبه اعلام کرد: وجود ناآرامی ها تهدید به تقسیم و تجزیه تعدادی از کشورهای عربی می کند. صباح الأحمد الجابر الصباح، امیر کویت در سخنانی در پارلمان کشورش عنوان داشت: ما تمایل داریم به وظیفه انسانی خود در جهان عمل کنیم. وی با بیان این که تعدادی از کشورهای عربی در آماج جنگ های داخلی قرار گرفته اند، افزود: آشوب و بی امنیتی تهدید به تقسیم تعدادی از کشورهای عربی می کند. امیر کویت تصریح کرد: با گفتگوهای خردمندانه و تسامح خودمان را از دودستگی دور می سازیم. همچنین کشور ما باید با وحدت در قبال تروریسم دژ مستحکمی را ایجاد کند. وی همچنین از دولت و پارلمان کشورش خواست تا تصمیمات لازم را برای حمایت از منابع نفتی و مالی کویت اتخاذ کنند.

دبیرکل ناتو:

هیچ تضادی میان تقویت ناتو و همکاری با پوتین وجود ندارد

دبیرکل ناتو روز سه شنبه تأکید کرد، تنها یک ائتلاف غربی مستحکم می تواند درباره روابط قوی تر با روسیه بحث و مذاکره کرده و تصمیم گیری کند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، ینس استولتنبرگ، دبیرکل جدید ناتو گفت که تجربیات پیشین وی در سمت نخست وزیر سوئد نشان می دهد که داشتن قابلیت های دفاعی مستحکم و روابط قوی ترانس آتلانتیک برای برقراری روابط سازنده با روسیه اساسی است.

استولتنبرگ در اولین سخنانش در تشریح سیاست های دفاعی ناتو گفت که هیچ گونه تضادی میان قوی نگه داشتن ناتو و ادامه مشارکت و همکاری با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه وجود ندارد. وی که از اول اکتبر زمام امور ناتو را بدست گرفته است، اظهار کرد: ناتو و روسیه هر دو حرف هایی برای گفتن دارند و بنابراین قرار است ما ارتباط داشته باشیم اما سوال اینجاست که این ارتباط باید چگونه باشد.

استولتنبرگ همچنین عنوان کرد که با سازمان ملل در تماس است تا ببیند که آیا سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می تواند «نقش مشخصی» را در مقابله با گسترش ویروس ابولا داشته باشد یا خیر. وی در سخنرانی خود در بروکسل تأکید کرد، برخی از ۲۸ کشور عضو ائتلاف ناتو از جمله آمریکا و انگلیس نیروهای ارتشی به غرب آفریقا اعزام کرده اند اما هنوز زود است که مشخص شود آیا ناتو باید شخصا وظیفه ای را بر عهده بگیرد یا خیر.

گفت شاید این گونه باشد اما با بررسی بیشتر متوجه می شویم که میان این دو پدیده خطرناک شباهت های بیشتری وجود دارد.

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده که ویروس ابولا خطر جدی برای زندگی و حیات افراد محسوب می شود و اگر به موقع درمان نشود در بیشتر موارد منجر به مرگ انسان می شود.

این سازمان اعلام کرده که موج شیوع ویروس ابولا هم اکنون از آنچه که در دهه های هفتاد بود بسیار خطرناک تر است و شکل جدیدی دارد. همانطور گروه تروریستی داعش نیز که هم اکنون موج تروریستی جدیدی را در منطقه

به راه انداخته با گروه های تروریستی پیش از خود متفاوت بوده و توان استراتژیک، پیشروی در مناطق، سازماندهی و تجهیزاتی نظامی آن با دیگر گروه های تروریستی کاملا تفاوت دارد.

تحلیل گران و کارشناسان اعلام کردند که افکار داعش مانند ویروس ابولا همه جا را در بر گرفته، وارد جوامع بشری شده و در جان و روح بسیاری نفوذ پیدا کرده است. پزشکان می گویند، حتی افرادی که جنازه اشخاص مبتلا به ویروس ابولا را تشییع کنند و یا به جسد آن ها دست بزنند هم امکان ابتلا به این ویروس را دارند.

آیا داعشی ها هم مانند این ویروس مصمم هستند تا هر آنچه را که نشانی از حیات در آن وجود دارد را نابود کنند؟ و با اشاعه افکار مسموم خود در میان افراد می توانند زندگی افراد را به خطر بیندازند.

به نظر می رسد که ویروس ابولا و داعش در نابودی

شرایط ترکیه برای جنگ با داعش

وقتی ارتش آزاد سوریه و پیشمرگ ها گفتند که آماده رفتن به کوبانی هستند، ما هم گفتیم بسیار خوب، و اگر دیگر کشورها، آمریکاییان و اروپاییان هم مایل به اعزام نفرات باشند، بازم می گویم بسیار خوب. ترکیه هرگز نه نگفته است. کوبانی در مرز سوریه با ترکیه واقع شده است. داوود اوغلو قدرت گرفتن داعش را «نتیجه مستقیم خودداری غرب از کمک به نیروهای میانه رو مخالف حکومت سوریه» دانست و گفت: «از ابتدا به همه متحدان خود می گفتیم که اگر از نیروهای میانه رو سوری حمایت نشود، نتیجه آن ظهور بنیادگرایی خواهد بود و متأسفانه، همین طور هم شده است.»

در مورد حل بحران کنونی، وی گفت: «به نظر ما، تنها راه حل این است که به مردم سوریه برای رهایی کشورشان از چنگ داعش و همچنین مبارزه علیه دولت سوریه کمک کنیم، در غیر اینصورت و بدون یک استراتژی منسجم، حتی اگر داعش را هم از میان برداریم، یک داعش دیگر، یک سازمان بنیادگرای دیگر با نامی متفاوت ظهور خواهد کرد.»

نخست وزیر ترکیه گفت که استراتژی مورد نظر او شامل «تجهیز و آموزش نفرات ارتش آزاد سوریه است به نحوی که اگر داعش از میان رفت، دولت سوریه جای آن را نگیرد، پ.ک.ک جای آن را نگیرد، یعنی با از میان رفتن داعش، کشتار و وحشیانه مردم ادامه نیابد.»

اظهارات نخست وزیر ترکیه در حالی منتشر می شود که گزارش هایی از درگیری سنگین بین گروه النصره و نیروهای ارتش سوریه از شهر ادلب گزارش شده است.



گفت «حالا که کشورهای دیگر نمی خواهند واحدهای زمینی به جنگ بفرستند، تنها راه کمک به کوبانی، کمک به اعزام پیشمرگ های کرد و نفرات ارتش آزاد سوریه است» و افزود که پیشمرگ های کرد، بخشی از ارتش عراق محسوب می شوند. نخست وزیر ترکیه گفت که کشورش آماده است تسهیلات لازم را برای اعزام نیرو از سایر کشورها به کوبانی فراهم کند و افزود: «به این ترتیب،

نخست وزیر ترکیه گفته شرط مشارکت نظامی این کشور در جنگ علیه داعش، «تلاش برای برقراری دموکراسی در سوریه» است.

احمد داوود اوغلو، نخست وزیر ترکیه روز سه شنبه در مصاحبه با بی بی سی، انتقاد کشورهای غربی از خودداری کشورش از اعزام نیرو برای جنگ با داعش را مردود دانست.

نخست وزیر ترکیه هم راستا با رییس جمهوری این کشور در متهم کردن دولت سوریه، در عین حال گفت: «ما آماده کمک به هر نیرویی و به هر ائتلافی از طریق استفاده از پایگاه های هوایی یا طرق دیگر هستیم اگر این درک مشترک وجود داشته باشد که هدف ما، ایجاد یک دموکراسی کثرت گرا در سوریه و مبارزه علیه جنایت علیه بشریت باشد، چه این جنایت توسط داعش، به عنوان یک سازمان تروریستی، صورت گرفته باشد چه رژیم سوریه مرتکب آن شده باشد. انتظار ما این است.»

داوود اوغلو انتظار غرب از ترکیه برای ورود به جنگ علیه داعش را غیرقابل قبول خواند در حالی که این کشورها خود از اعزام نیرو به جنگ پرهیز دارند. وی گفت: «اگر آنها خودشان مایل نیستند واحدهای زمینی به جنگ بفرستند، چه طور از ترکیه انتظار دارند نیروی زمینی خود را به جنگ اعزام کند در حالی که همان خطرات در نزدیکی مرز ما وجود دارد.» نخست وزیر ترکیه افزود: «مطمئن هستم که اگر ترکیه به مداخله نظامی در کوبانی دست بزند، بسیاری از همین رسانه ها و نهادهای بین المللی ما را به خاطر مداخله در امور داخلی یک کشور دیگر هدف انتقاد قرار خواهند داد.»

در مورد کمک به کوبانی در برابر حملات نیروهای داعش داوود اوغلو

بخش نخست

درباره پیشگفتار مارکس پرویراست

اول سرمایه



فروغ اسدیپور

نوشته حاضر تلاش می‌کند تا در پرتو گفت‌وگویی انتقادی بین دیالکتیسیسم‌های نظام‌مند و ریالیسم انتقادی، درباره پیشگفتار مارکس بر ویراست اول سرمایه بحث کند. مارکس در این پیشگفتار اشارهای کوتاهی به روش خود میکند که به نظر میرسد مبنای علمی و فلسفی سرمایه را تا حدی روشنی میبخشد. اما برای انسجام‌بخشیدن به این مبنای فلسفی - علمی، میتوان از دستاوردهای جدیدی کمک گرفت که پیرامون سرمایه و بازسازی آن انجام شده است. بازسازی در اینجا به معنای تفسیر انتقادی، یعنی تصریح بخشیدن به معنای تلویحی متن، برجسته کردن نظام‌مندی آن از راه تأکید روی ساختارها و روابط اصلی مورد پژوهش آن، و استنتاج تصویری کلی از متن است.

مارکس در پیشگفتار ویراست اول سرمایه، از دشواری درک فصل نخست، به‌ویژه بخشی که تحلیل کالا را دربردارد، سخن میگوید. او مینویسد: «شکل ارزش که شکل نهایی آن شکل پولی است، بسیار ساده و بی‌مضمون است. با این حال، ذهن بشر بیش از ۲۰۰۰ سال بیهوده کوشیده تا به کنه آن پی ببرد. حال آن‌که از سوی دیگر دستکم به‌طور تقریبی موفق شده شکلهایی را تحلیل کند که [پرمضمونتر و پیچیده‌تر بوده‌اند]. چرا؟ زیرا پیکر کامل را آسانتر میتوان مطالعه کرد تا سلول که عنصر آن است».

سپس بی‌فاصله به موضوع روش‌مندی می‌پردازد: «در تحلیل شکلهای اقتصادی نه میکروسکوپ به کار می‌آید و نه معرفهای شیمیایی؛ تجزیه تنها نیرویی است که به‌عنوان ابزار به‌کار می‌آید (تأکید از من است). اما در جامعه معاصر، شکل کالایی محصول کار، یا شکل ارزش کالا، شکل سلولی اقتصاد است (تأکید از من است). تحلیل این شکلهای در دیده عامی پرسه زدن در موشکافی‌های محض و بیهوده است. در اینجا سروکار ما نیز با ریزه‌کاری‌هاست، اما تنها از آن دست که در کالبدشناسی میکروسکوپی معمول است».

مارکس به ما نمیگوید که چرا نقطه آغاز عرضه‌داشت یا ارایه، باید شکل کالایی محصول کار باشد. نمیگوید چرا این شکل را با شکل سلولی مقایسه کرده است؟ آیا ایجاد شباهت بین مقوله‌ای از اقتصاد سرمایه‌داری، با شکل سلولی و ام‌گرفته از زیست‌شناسی گمراه‌کننده نیست؟ آیا سلول و شکل تکاملی آن را هم می‌توان به‌نحوی دیالکتیکی، از آن دست که مارکس در سرمایه انجام داده است، بررسی کرد؟ در ضمن مارکس نمیگوید که چرا «شکل کالایی محصول کار» را با «شکل ارزش کالا» مترادف قرار می‌دهد، و اصولاً معنای این

ترادف چیست. چرا روی مقوله «شکل» در هر دو عبارت بالا تأکید میکند؟ منظور او از تجزیه به‌عنوان تنها نیروی کارآمد در پژوهش سرمایه چیست؟ چه‌گونه تجزیه‌ی مورد نظر اوست؟

در این پیشگفتار مارکس به هیچیک از این پرسشها پاسخ نداده است. در برتر، در آغاز فصل یکم، به‌نحوی تلویحی و مختصر به بخشی از این پرسشها، در فرایند پیشروی بحث، پاسخ میدهد. پاسخهای او به‌نظر شماری از مفسران آثارش، نیازمند تدقیق و بازسازی هستند. آنچه که اینجا برای ما جالب است، اشاره مارکس به رویکرد روش‌شناختیاش است. او روش خود را به‌سادگی و بیتوضیح فراوانی در گفتارود بالا، تجزیه می‌خواند و سپس در ادامه روش خود را چنین توضیح میدهد:

«فیزیک‌دان فرایندهای طبیعی را در جایی مشاهده میکند که در بارزترین شکل خود رخ میدهند و تأثیرات مختلکننده کم‌ترین نقش را در آن دارند، یا هر جا که امکان داشته باشد، در شرایطی دست به آزمایش می‌زند که [از جریان فرایند در حالت ناب خود] مطمئن باشد».

پرسشهای بسیاری هم در این مورد طرح میشود. چرا مارکس، در ادامه از فیزیک‌دان و آزمایشهای به‌کار گرفته شده در حیطه علوم طبیعی می‌گوید؟ آیا می‌توان روش پژوهش در علم فیزیک را به حیطه مورد مطالعه مارکس انتقال داد و همان را در این‌جا هم به‌کار بست؟ اگر چنین است، پس چرا مینویسد: «در تحلیل شکلهای اقتصادی تجزیه تنها نیرویی است که به‌عنوان ابزار به‌کار می‌آید؟ به نظر میرسد که «فرایند ناب» آن چیزی است که توجه مارکس را به خود جلب کرده است و برای همین هم به آزمایشگاه در علوم طبیعی ارجاع میدهد. در اینصورت به‌نظر میرسد که تجزیه (چیزی که باید در مطلبی دیگر به آن بپردازیم) همان عمل آزمایشگاه را انجام میدهد و ایجاد «فرایند ناب» را میسر میکند. پس مارکس در عین حال که به شباهت بین علوم طبیعی و نقد اقتصاد سیاسی، ایجاد فرایند ناب، اشاره میکند، به تفاوت‌هایشان هم توجه دارد اگرچه این تفاوتها را اینجا توضیح نمیدهد.

بنا به آنچه که از روش پژوهش پاهیی در علم میدانیم، فیزیک‌دان برای شناسایی پدیده مورد نظرش تلاش میکند تا به بیان روی‌باسکار، نظام بستهبندی ترتیب دهد که در آن پدیده مورد پژوهشش را جدا از دیگر نیروها و پدیدههای طبیعی مطالعه کند. پس از شناسایی ساختارها، سازوکارها و قانونمندیهای پدیده مورد نظر در نظام بسته آزمایشگاهی، میتوان آن را در ترکیب با نیروها و پدیدههای دیگر در نظام باز بیرونی هم مطالعه کرد.

مارکس نمیتواند نظام بسته به این معنا ایجاد

کند. اما میتواند از راه تجزیه، «فرایند ناب» موضوع مورد تحقیقش یعنی «منطق سرمایه» را بررسی کند. تفاوتی بین «فرایند ناب» مورد نظر مارکس با نوعی که در علم فیزیک وجود دارد، به‌جشم می‌خورد. با اینکه در هر دو مورد، بررسی ساختارها و مطالعه هستیشناسی یک پدیده خاص مورد نظر است، تفاوت اینجاست که مارکس به‌دلیل سرشت تاریخی و اجتماعی موضوع خود، به نمونههای تاریخی هم برای روشن کردن بحث ارجاع میدهد. حتا گاهی به سطوح انضمامیتری هم ارجاع میدهد که بیرون از حیطه منطق درونی سرمایه قرار دارند. خود او هم معمولاً به تمایز بین درون و بیرون اشاره میکند. درون، همان تمامیت سرمایه بهمثابه منطق کالایی - اقتصادی است که هم‌چون موجودی خودکفا تمام پیش‌فرضهای خود را خلق و مدیریت میکند. اما روشن است که نیروی کار و زمین (طبیعت) دو پیشفرضی هستند که سرمایه آن‌ها را خلق نکرده است و نمیتواند آن‌ها را به زاید خود کاهش دهد. زمین و نیروی کار، دشوارترین عناصر در زنده‌گی اجتماعی - اقتصادی برای مدیریت ناب اقتصادی - کالایی هستند و در تاریخ عملاً هرگز به این ترتیب مدیریتشدنی نیستند. همواره در محلهای کار مبارزه وجود دارد و بر سر زمین هم همواره نبردهای جدی در جریان است. حرکت از منطق درونی سرمایه به سطوح انضمامیتر (بیرون) هم در واقع حرکت از یک شکل کاملاً رشدیافته کالایی با چیره‌گی منطق سرمایه به سطوحی است که این منطق فقط به‌نحوی نسبی بر آنها چیره‌گی دارد و در نتیجه، به حمایت سیاست و ایدئولوژی نیاز دارد.

در زیر ابتدا مفهوم نظام بسته را توضیح میدهم، و سپس، جملههای مارکس در بالا را در پرتو مفهوم نظام بسته، بیش‌تر می‌شکافم.

نظام بسته

در علوم طبیعی، نظام بسته به آزمایشگاه و محیط بسته آن ارجاع میدهد، جایی که دانشمندان و کادری علمی برای شناسایی قانونهای علیتی و ایزوله کردن سازوکارهای برساننده پدیدهها، تلاش میکنند. آن‌ها در این فرایند از ابزار تولیدی پیشتر تولیدشده (نظریه‌های علمی، روشها و وسایل مادی آزمایشگاهی) استفاده میکنند تا قانونهای علیتی را در جدایی از محیط باز بیرونی ایزوله کرده، آن‌ها را از راه تأثیراتشان شناسایی کنند. میتوان گفت که آزمایشها از این رو امکانپذیرند که سازوکارهایی در جهان بیرونی، در نظام باز عمل میکنند که قابل مشاهده نیستند و خود را در برابر حواس ما بروز نمیدهند، اما در شرایط مناسب میتوان ایزوله و کشفشان کرد.

بخش دوم و پایانی

۵ علامتی که آقایان باید برای سلامتی خود جدی بگیرند

شکم بزرگ و چاقی مردان، می‌تواند علامت خاموش چند بیماری باشد. بزرگ شدن شکم، نشانه کاهش تستوسترون است و از طرفی می‌تواند احتمال ابتلا به دیابت و بیماری عروق کرونر قلبی را افزایش دهد و یا نشانه بالا بودن کلسترول خون باشد، در حالی که بعضی آقایان آن را به عنوان ژستی مردانه دوست دارند.

۳- بی میلی جنسی

در بسیاری از مواقع این بی میلی جنسی ممکن است ناشی از مسایل روحی و روانی باشد، اما نباید آن را نادیده گرفت. طبیعی بودن میل جنسی نشانه‌ی بی سلامتی کلی بدن است. بی میلی جنسی شاید ناشی از مشکلات عروق خونی آلت تناسلی باشد که خود نشانه مشکلات عروق خونی قلب و مغز است. متخصصان می‌گویند آقایان به‌جای استفاده از قرص‌هایی مانند ویاگرا باید یک بار هم به پزشک مراجعه کنند تا درباره مشکلات جنسی‌شان با او مشورت کنند. به طور معمول، در این مواقع پزشک به دنبال بیماری عروق کرونری قلب، فشارخون بالا و کلسترول بالا خواهد بود که می‌تواند اختلالات نعوظی را به دنبال داشته باشد.

۴- تکرر ادرار

«چیز مهمی نیست، لابد آب زیاد خورده‌ام!» تکرر ادرار از آن علایمی است که اغلب آقایان آن را علامت طبیعی بالا رفتن سن می‌دانند و بدون آنکه علت آن را بفهمند، به آن توجه نمی‌کنند. تکرر ادرار در آقایان مسن، اغلب به دلیل بزرگی خوش‌خیم پروستات به وجود می‌آید که قابل درمان است. پروستاتیت (التهاب پروستات) به دلیل عفونت یا تحریک هم می‌تواند تکرر ادرار را موجب شود. اندازه گیری PSA (آنتی ژن اختصاصی پروستات)، معاینه پروستات و آزمایش‌های گرده، حتماً باید پس از مراجعه به متخصص بیماری‌های مجاری



ادراری انجام شود.

۵- اعتیاد به داروهای مجاز

«هر شب باید یک دیاپام بخورم وگرنه خوابم نمی‌برد». اغلب آقایان تصور می‌کنند اعتیاد فقط استفاده از منقل و وافور است و متوجه نیستند که گاهی یک قرص استامینوفن ساده هم می‌تواند آن‌ها را معتاد کند. در بسیاری از این افراد شاید یک کمر درد، آرتروز کتف، دل درد و یا بی‌خوابی مقدمه استفاده از داروهای تجویز شده از سوی پزشک باشد و چند سال بعد می‌بینند که باید هنوز از آن قرص‌ها استفاده کنند و به آن‌ها عادت کرده‌اند، در حالی که از آن مشکل اولیه خبری نیست.

اعتیاد به داروهای مجاز، مسأله‌ی است که بسیاری از آقایان به هیچ‌وجه متوجه آن نیستند و آن را طبیعی می‌دانند، در حالی که عادت به مصرف این داروها چیزی کم از یک اعتیاد واقعی ندارد و همان مشکلات را به دنبال دارد و باید به آن‌ها عوارض جانبی داروها را هم اضافه کرد. داروها را فقط بر اساس دستور پزشک و در مدت زمان تعیین‌شده مصرف کنید و در صورت اعتیاد به دارویی خاص، به هیچ‌وجه ناگهان مصرف آن را قطع نکنید.

منبع:

حمید پور موسوی

بخش نخست

«به ندرت فیلسوفی دیده شده است که با چنان صمیمیتِ مجذوب‌کننده‌ی، ماجراهای خرد را به وضوح شرح دهد.» همه‌گان او را بیشتر به عنوان مورخ می‌شناسند؛ اما نگاه‌های تیزبین می‌توانند آرای فلسفی‌اش را در لابه‌لای آثار قطورش بیابند، هر چند یکی دو خط بیشتر نباشد... فراموش نکنیم که اوست که در نامه‌ی شجاعانه و آمیخته با اندکی گستاخی به راسل می‌نویسد: «بیا اندکی با هم فلسفه‌بازی کنیم.» با آن‌که او را از روشن‌ترین اذهان می‌شمارد. او فلسفه را دورنمای کل تعریف می‌کند و عقلی که خود را بر حیات می‌گستراند و آشفته‌گی را به وحدت برمی‌گرداند... و تا پایان عمرش همچنان به این قاعده وفادار ماند که جز را باید در پرتو کل دید. شاید هرگاه که از باریک‌بینی‌های افراطی و جزنگری‌های ملولانه متخصصان، خسته و درمانده می‌شویم، پیشنهادهای او خالی از لطف نباشد... تنها راه فرار از این هرج و مرج و آشفته‌گی برای اذهان پخته در این است که خود را از بند جزرها کرده و کل را در نظر آورند.

آنچه ما بیش هر چیز از دست داده‌ایم، منظر کلی است... امروز هیچ‌کس جرأت ندارد که زنده‌گی را در کمال و تمامی آن در نظر آورد. تجزیه و تحلیل به سرعت جلو می‌رود اما ترکیب، لنگان و وامانده است... هر کسی سهم خود را می‌شناسد اما از معنی آن در تمام بازی بی‌خبر است... و بالاخره توصیه می‌کند که «... بیایید تا ترس از اشتباهات اجتناب‌ناپذیر را کنار بگذاریم و وضع آن را در تمامیت آن در نظر آوریم و بکشیم که اجزا و مشکلات آن را در پرتو کل ببینیم... هر چند در پایان هشدارانه یادآوری می‌کند که «... در تاریخ، ساختن و پرداختن کل از اجزا، کار خطرناکی است؛ اما از طرف دیگر، واضح است که تاریخ، به غیر از ساختن کلیات از اجزای باقی‌مانده، چیز دیگری نیست.» راسل هم مؤید این معنا بوده است.

فیلسوف زیبایی

بی‌گمان او فیلسوف زیبایی است؛ زیرا معتقد است که «هر عملی که نیک انجام شود و هر زنده‌گی که مرتب باشد و هر خانواده‌ی که نیک بار آید و هر ایزاری که خوب کار کند، شایسته آن است که گفته شود: زیباست...» و این هاله زیبایی ممکن است گسترش یافته و تمام جهان از لطف و زیبایی اولیه سرشار و لبریز گردد... و حتی یک احساس زیبایی، ریشه دین و دوستی و هنر و ایده‌آلیسم اجتماعی را نیز آبیاری می‌کند. او وظیفه اصلی هنر را ایجاد زیبایی می‌داند و می‌گوید: اگر فلسفه را هنری ندانیم که در میان سایر هنرها مایوسانه می‌کوشد تا به عالم پریشان و پُر اضطراب تجارب زنده‌گی صورتی بدهد، چه نام دیگر به آن می‌توانیم داد؟ و اگر حکمت موجب آن نشود که به زیبایی، عشق بورزیم و بکشیم که زیبایی بهتر و والاتری از زیبایی طبیعت بیافرینیم، به چه درد می‌خورد؟... فلسفه‌ی که از عشق و زیبایی نلرزد، شایسته انسان نیست... در جایی دیگر با لطفی به انواع عتاب آلوده چنین می‌نویسد: «آن‌جا که زیبایی بخواید در جای حقیقت بنشیند و در میدان حکمت، گوشه‌ی برای خود بجوید، حتما استخوان‌های الهیات نیز به لرزه درمی‌آید.» نثر او شعری است که می‌دود، حتما متن خشک فلسفی - تحلیلی او از فرط زیبایی با شعر پهلو می‌زند (همانند راسل). اکنون ما بالاتر از او به نظر می‌رسیم، زیرا ما را بر دوش خود بلند کرده است.

علت اولیه زیبایی

در نظر او، انسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف از نوعی زیبایی برانگیخته می‌شد و عمر را در جستن آن به کار می‌برد؛ مثلاً وحشیان، آن را در لب کلفت و خال‌کوبی می‌داند. یونانیان در جوانی و یا در تقارن و آرامش پیکرهای تراشیده، رومیان در نظم و شکوه و قدرت می‌جستند. رنسانس آن را در رنگ یافته و عصر ما در موسیقی و رقص می‌جوید. مسأله



مربوط به روان‌شناسی است، ولی روان‌شناسان آن را به گردن فلسفه انداخته‌اند... اصرار علوم جدید به تجربه و آزمایشگاه و فرمول‌های ریاضی، درک این حقایق دل‌فریب را ناممکن ساخته است. و تا هنگامی که زیست‌شناسی کاملاً به روان‌شناسی راه نیابد، موضوع زیباشناسی در جای شایسته خود نخواهد بود. آن‌جا که زیبایی بخواید در جای حقیقت بنشیند و در میدان حکمت، گوشه‌ی برای خود بجوید، حتما استخوان‌های خشک الهیات نیز به لرزه درمی‌آید.

رابطه زیبایی با عشق

بیش از هر چیز زیبایی چیزی، به‌خاطر مطلوبیت آن است و آن‌چه موضوع نیازمندی اساسی است، امکان زیبا بودن را دارد (مثلاً غذا برای گرسنه). پس زیبایی در ابتدایی‌ترین مراحلش، جلوه حسی آن چیزی است که ارضاکنده امیال انسانی است. به عبارتی، فرق این شیء زیبا با شیء مفید در اصل فقط در شدت و ضعف احتیاج است... یکی از نشانه‌های این مدعا آن است که وقتی رفع احتیاج شد، زیبایی آن شیء هم کاهش می‌یابد... نیچه، زشت و زیبا را امری بیولوژیکی می‌داند: هر چیز زیان‌بخش، زشت است و هر چیز مفید، زیباست؛ مثلاً آسمان آبی زیباست اما ممکن بود در نتیجه عادت از آسمان سبز نیز لذت ببریم... هر چیزی که محرک و مقوی بدن باشد، از زیبایی بهره‌ی دارد. زشتی، مایه کاهش نشاط و سوءهضم و ناراحتی اعصاب است... در انسان پس از فراغ معده از رنج گرسنه‌گی، حساسیت عشقی رو به فزونی نهاده و در شکل حس زیبایی به جریان می‌افتد. زیبایی مطلوب یونانیان، مرد جوان و زیبا و دلاور بود و لذا هنرشان نیز ستایش مرد کامل و انعکاس میدان ورزش.

اما در دنیای جدید، آماده‌گی ما در درک زیبایی، بسته به منحنی نیروی جنسی است و یا حداقل، عشق به همان اندازه آفریننده زیبایی است که زیبایی آفریننده عشق است... و دل‌انگیزی زن، بالاترین شکل زیبایی و سرچشمه تمام اشکال است؛ زیرا عشق مرد به زن، قوی‌تر است و لذا زن بیش از حد محبوب شده است... اما زن جوایز زیبایی مرد نیست، بلکه قدرت اوست پس عشق، مادر زیبایی است نه فرزند آن... در سرتاسر زنده‌گی انسان، به اجماع همه، احساسات و عواطف از هر

بگناهش اجتماعی به آرامی و نخل در آفتاب درخت زیبایی

چیز جالب توجه‌تر است. در هر زبانی تقریباً از قلم هر نویسنده‌ی، دریایی از کتب و مقالات در این پیدا شده و چه حماسه‌ها و اشعار شورانگیزی که به وجود نیامده است... عشق و عاطفه، ریشه‌های هنر و فداکاری اجتماعی را نیز آبیاری می‌کند.

زیبایی را تخیل می‌کند، آن را می‌جوید و حتما ممکن است که آن را بیافریند. نیکی و خیر را تصور می‌کند، آن را می‌جوید و با عزم و اراده برای تحقق آن می‌کوشد... از این اصل طبیعی و سالم، عشقی که هم شعر و هم معنی است، سر می‌زند... از این، رغبت به حیات، وفاداری برمی‌خیزد. و از این گرسنگی روانی، خوش‌ترین فداکاری‌های نفوس سرچشمه می‌گیرد و سرانجام از شهوترانی وحشیان غارنشین، تغزل شاعران پدیدار می‌گردد. این است پهنه فرمانروایی انسان... آن‌جا که تمدن بیشتر است، یک امر معنوی بسط و افزایش می‌یابد. به عبارتی روحانیت عشق، در جوانی و در اوج یک تمدن بیشتر است؛ زیرا در این‌جاست که عشق به حد اعلا خود می‌رسد و قیدوبند جسم را به شعر و غزل می‌کشاند... این گرسنه‌گی حیوانی چنان صفا و لطف می‌پذیرد که اضطراب جسمانی به رقت روحی تبدیل شده و به درون‌نگری و تخیل سوق داده می‌شود... و حقایق را به جامه تصورات می‌آراید، به طوری که عامل جسمانی به‌هیچ‌وجه محسوس نیست... در اقوام تمدن هنر یکی از بهترین صور تعالی روحی عشق است که تا شکوه و درخشندگی بی‌مانندی بالا می‌رود و گاهی بر عمیق‌ترین دواعی نفسانی نیز غالب می‌گردد... هر امر معنوی پایه مادی و طبیعی داشته و هر امر مادی یک گسترش و بسط معنوی دارد و در پایان این بحث گویی متوجه تعجب خواننده شده و لذا چنین خاتمه می‌دهد: «عشق از این‌که مبدای طبیعی و زیستی دارد، نباید سرافکننده شود و اگر میل و رغبتی طبیعی به مرحله فداکاری و اخلاص نرسد، بگذار تا نابود گردد.» راسل هم در لابه‌لای آثارش تقریباً بدان معنی اشاره کرده است: «غزل، تنها هدف و غایت عشق نیست و عشق رمانتیک می‌تواند آن‌جایی هم که به بیان هنری منتهی نمی‌شود، شکوفا گردد... عشق رمانتیک، منشا و مظهر عالی‌ترین لذاتی‌ست که زنده‌گی می‌تواند عرضه کند.»

فرعیات زیبایی

هر غریزه‌ی علاوه بر موضوع و مطلوب اصلی، موضوع فرعی نیز دارد. به همین منوال حساسیت به زیبایی ممکن است گسترش یافته و تمام جهان از لطف و زیبایی اولیه سرشار و لبریز گردد... ممکن است صدا، از دعوت جفت برخاسته باشد و آواز از صدا تراوش کرده و با عشق درآمیخته و رقص را زاده و بدین‌گونه از رقص و آواز، موسیقی برخاسته باشد (اگرچه دین و جنگ نیز از آن سوءاستفاده‌هایی کرده است)... پس از این گسترش میدان‌های فرعی، عشق دیگر به تنهایی قادر به تفسیر نیست. لذا پای عناصر دیگری نیز به میان می‌آید: لذت از وزن و ایقاع (هماهنگ‌سازی آهنگ)، خود عنصر مستقلی است. تنفس (دم برآوردن و دم فرو بردن)، قبض و بسط قلب، و حتما تقارن طرفین بدن که ما را برای درک پستی و بلندی موزون اصوات مستعد می‌سازد و نه تنها عشق، بلکه تمام روح نیز از آن لذت می‌برد. از صدای ساعت و گام‌های هموار، وزن و ایقاع می‌سازیم و از جنبش و رقص و شعر و ترجیع و آهنگ مخالف و اوج، لذت می‌بریم... موسیقی با لحن و آوای خود به ما رقت بخشیده و به جهان آرامی بالا می‌برد که دور از خشونت این‌جهانی است و ممکن است در تسکین درد و اصلاح هضم و تحریک عشقی مفید افتد... و حتما ممکن است با الحان خوشش، سربازان را به کام مرگ براند.



آگاهان در پیوند به افزایش ناامنی‌ها:

طالبان در صدد امتیاز گیری هستند

ناجیه نوری

طالبان با افزایش حملات انتحاری، انفجاری و راکت‌پراکنی‌های شان در صدد گرفتن امتیاز از حکومت وحدت ملی هستند. برخی از آگاهان نظامی با بیان این مطلب می‌گویند، مخالفان مسلح دولت با ناامن‌ساختن اکثریت ولایات شمالی و جنوبی می‌خواهند قدرت‌شان را برای حکومت وحدت ملی به نمایش بگذارند تا جای پای در حکومت جدید پیدا کنند.

اما شماری از نماینده‌گان مجلس، افزایش ناامنی‌های اخیر را به قاچاق تریاک پیوند داده می‌گویند، جنگی که در حال حاضر در جنوب و شمال جریان دارد، جنگ تریاک است.

به گفته آنان، اگر حکومت قاچاق‌چیان مواد مخدر را که به تمام معنا می‌شناسد، دستگیر کند، درگیری‌ها هم در شمال و هم در جنوب تا حد زیادی کاهش می‌یابد.

در این اواخر، شمار زیادی از ولایات شمالی و جنوبی به شدت ناامن شده و برخی از مناطق ولسوالی‌های ولایت هلمند، کندز، بدخشان، لغمان و برخی از ولایت دیگر، به دست طالبان افتاده است.

روز گذشته چهار مهاجم مسلح موتر سایکل سوار، پاسگاه پولیس هرات را آماج قرار دادند که از اثر شلیک گلوله، دو پولیس کشته، دو پولیس و شش غیر نظامی زخم برداشتنند.

در همین حال، جنگ در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان از سرگرفته شده و گفته می‌شود گروه طالبان دوشنبه همین هفته به چندین پاسگاه پولیس مرزی و پولیس نظم عامه حمله کرده که در نتیجه آن چهار پولیس کشته و همچنان ده پولیس و مقدار زیادی از تجهیزات نظامی را طالبان با خود بردند.

این درحالی است که دوشنبه همین هفته شش دادستان و یک پولیس در حمله مهاجمان انتحاری به دادستانی ولایت کندز کشته شدند. گفته می‌شود که گروه طالبان در ولایت کندز

حضور گسترده دارند و در ماه‌های گذشته تا دروازه‌های شهر کندز پیشروی کردند و اکنون شماری از ولسوالی‌های این ولایت در تسلط طالبان قرار دارد.

در همین حال، گفتنی است که جنگ در شماری از ولسوالی‌های هلمند، لغمان، قندهار و ننگرهار به شدت جریان دارد و راکت‌پراکنی‌های پاکستان هم به ولایت کنر همچنان ادامه دارد.

با این حال، در چند روز گذشته با وجود این‌که حملات انتحاری و انفجاری در اکثر ولایات افغانستان به شدت افزایش یافته است، حملات راکتی به کابل نیز شدت گرفته و شهروندان کابل از افزایش راکت‌پراکنی‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند.

شکیبا هاشمی عضو کمیسیون امنیت داخلی مجلس نماینده‌گان، افزایش ناامنی‌های اخیر در شمال و جنوب افغانستان را جنگ تریاک عنوان می‌کند.

او می‌گوید، بیش از ۵۰ درصد تریاک دنیا در هلمند که یکی از ولایات به شدت ناامن افغانستان است، کشت و تولید می‌شود و همین طوری شماری از ولایات شمالی که از طریق آن تریاک به کشورهای آسیا مرکزی قاچاق می‌شود نیز به شدت نا امن است.

به باور او، جنگی که در حال حاضر در جنوب و شمال جریان دارد، جنگ تریاک است؛ بنابراین نیروهای امنیتی تنها با طالبان درگیر نیستند، بل با گروه‌های مسلح غیرمسول نیز می‌جنگند.

به گفته بانو هاشمی، اگر قاچاق‌چیان مواد مخدر که حکومت آنان را به تمامی معنا می‌شناسد، دستگیر کند، درگیر در شمال تا حد زیادی کاهش می‌یابد؛ اما متأسفانه در این خصوص کدام برنامه‌ی وجود ندارد.

او دلیل دیگر افزایش ناامنی‌ها را تلاش گروه‌های ناکام برای براندازی حکومت وحدت عنوان کرده می‌گوید، شماری از گروه‌های ناکام که به هدف‌شان نرسیده‌اند، در تلاش براندازی حکومت وحدت ملی اند و حتا شش ماه را برای انجام این عمل خود ضرب‌الاجل تعیین کرده‌اند.

۲۱ هزار غیرنظامی در جنگ افغانستان کشته شدند.

در اصل هرگز تعداد دقیق تلفات غیرنظامیان در جنگ افغانستان و نام آن‌ها را متوجه نخواهیم شد.

سلیقه‌ی انجام داده و افرادی را در مقابل پول پیروز اعلام کرده‌اند. آنان با سردادن شعارهایی بر ضد کمیسیون‌های انتخاباتی، خواستار به محاکمه کشاندن مسوولین این کمیسیون‌ها شدند.

«برای ثبات و پیشرفت افغانستان به حمایت منابع دیگر نیاز است.»

به گفته این مقام چینی، کشورش که در همسایگی افغانستان قرار دارد، می‌تواند در این زمینه نقشی مهم را بازی کند و به افغانستان اولویت می‌دهد.

از سوی دیگر، پرسش‌هایی در مورد ثبات افغانستان موجود است، مخصوصاً بعد از خروج قوای بین‌المللی از این کشور.

رییس‌جمهور افغانستان می‌خواهد در مورد امنیت نیز صحبت‌های با مقامات چینی داشته باشد و به همین هدف به روز جمعه در یکی از جلسات

وی تصریح کرد، این گروه در صدد این هستند تا دکتر غنی و داکتر عبدالله موفق نشوند تا وعده‌هایی که به مردم داده اند را علمی سازند تا بدین وسیله حکومت وحدت ملی را سرنگون کنند.

بانو هاشمی تأکید کرد، ما این مساله را با تیم داکتر عبدالله مطرح کردیم تا حکومت متوجه تفرقه‌افگنی‌ها برای براندازی حکومت وحدت ملی باشد.

اما جنرال امرالله امان آگاه مسایل نظامی به این باور است که مخالفان مسلح دولت با ناامن‌ساختن اکثریت ولایات افغانستان می‌خواهند قدرت‌شان را برای حکومت وحدت ملی به نمایش بگذارند تا جای پای در حکومت جدید پیدا کند.

او می‌گوید، متأسفانه در این عملکرد خود تا حد زیادی موفق بوده اند، زیرا اکثریت ولایات افغانستان از شمال تا جنوب به شدت ناامن شده است.

این آگاه نظامی دلیل دیگر افزایش ناامنی‌های اخیر را فرا رسیدن آخر فصل جنگ دانسته گفت، چون فصل زمستان نزدیک است، بنابراین طالبان آخرین تلاش‌های خود را برای ناامن ساختن افغانستان به کار می‌برند تا از این طریق از مناطق سرد به مناطق گرم انتقال کنند.

او تصریح کرد، پس ناامنی‌های اخیر دو دلیل دارد: اول این‌که طالبان می‌خواهند از مناطق سرد به مناطق گرم انتقال کنند و در مناطق گرم فعالیت‌های تروریستی‌شان را ادامه دهند.

وی همچنان گفت، دلیل دوم این‌که با افزایش ناامنی می‌خواهند قدرت خود را هم به جامعه جهانی و هم به حکومت وحدت ملی به نمایش بگذارند تا جامعه جهانی و حکومت وحدت ملی برای آنان امتیاز قابل شود.

جنرال امان دلیل دیگر ناامنی را مداخله پاکستان مبنی بر کنترل حکومت وحدت ملی توسط این کشور دانسته گفت، پاکستان با افزایش ناامنی می‌خواهد حکومت وحدت ملی را تحت کنترل خود داشته باشد.

این در حالی است که اگر تعداد تلفات غیرنظامیان را به تعداد تلفات سربازان بین‌المللی و ارتش ملی افغانستان اضافه کنیم. متوجه خواهیم شد که جنگ ۱۳ ساله افغانستان تلفات انسانی بسیار سنگینی داشته است. هر مرگ یک تراژدی است.

این در حالی است که کمیسیون انتخابات نتایج نهایی انتخابات شوراهای ولایتی را هفته جاری پس از شش ماه تأخیر اعلام کرد که در نتیجه آن، ۴۵۸ تن از نامزدان به شوراهای ولایتی ۳۴ ولایت راه یافتند.

پروسه استانبول شرکت می‌کند که در آن مقامات پاکستانی نیز حضور خواهند داشت.

در گذشته مقامات افغانی و پاکستانی به ابتکار ترکیه چندین بار با هم ملاقات کرده اند که این ملاقات‌ها مسمی به پروسه استانبول بوده، این بار چین میزبان این جلسه است.

رسانه‌ها گزارش داده اند که سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی صدراعظم نواز شریف به چین می‌رود و روز جمعه به میانجی‌گری چین با رییس‌جمهور افغانستان صحبت‌هایی خواهد داشت. ولی وزارت خارجه پاکستان تا حال خبر سفر سرتاج عزیز به چین را تایید نکرده است.

فرستی جدید برای تعریف منافع...

را برای پکن فراهم می‌آورد که این کشور بتواند در این بخش از قاره آسیا فعال‌تر ظاهر شود.

روابط دو کشور چین و افغانستان طی سال‌های گذشته از شرایط خوبی برخوردار بود و تجار چینی به خوبی توانستند بخشی از بازار پرمصرف افغانستان را در اختیار خود بگیرند.

برای افغانستان هم چین کشوری است که می‌تواند به او تکیه کند، چرا که چین عضو سازمان شانگهای است و به لحاظ سیاسی هم جایگاه این کشور برای دولتمردان جدید افغانستان قابل تأمل است.

براساس آمارهای ارایه شده از سوی گمرک چین، همکاری‌های تجاری این کشور با افغانستان در ۱۰ سال گذشته ۱۰ برابر افزایش یافته و این نشان از اهمیتی است چین برای خود در کشور افغانستان قابل است.

چین در طی سالیان گذشته همیشه روابط خوبی با افغانستان داشت و اراده دو دولت همواره بر حفظ تحکیم این روابط بود.

البته چین در دوره حاکمیت طالبان، روابط منفعالانه را در قبال افغانستان در پیش گرفت که تا قطع رابطه هم پیش رفت.

پایان حاکمیت طالبان در افغانستان و شکست این گروه در این کشور برای چین یک رخداد مهم بود زیرا چین همانگونه که از تولید مواد مخدر در افغانستان نگران بود، از آشوب گروه‌هایی در ایالت «سین کیانگ» که گرایش طالبانی داشتند، نیز رنج می‌برد.

بنابر این دولت چین در ۱۲ سال گذشته همیشه تلاش کرده است که روابط نزدیکی با افغانستان داشته باشد و همکاری اقتصادی و سیاسی خود را با این کشور افزایش دهد.

در اختیار داشتن پروژه‌های بزرگی چون احداث راه آهن و استخراج معدن مس افغانستان توسط چینی‌ها خود گواهی بر این گفته‌ها است.

چین در سال‌های اخیر به یک سرمایه‌گذار مهم در افغانستان مبدل شده است؛ به گونه‌ی که در سال ۲۰۰۷، یک شرکت وابسته به ذوب آهن چین امتیاز مزایده ۳ میلیارد دلاری برای استخراج معدن مس عینک را در ولایت لوگر افغانستان به دست آورد.

دو سال پیش هم شرکت ملی نفت چین امتیاز حفاری و استخراج نفت و گاز طبیعی در ولایت‌های سرپل و فاریاب را کسب کرد.

به عقیده کارشناسان مسایل اقتصادی، گسترش روابط اقتصادی افغانستان با چین بدون شک می‌تواند منافع زیادی را برای افغانستان در پی داشته باشد.

به گفته آنان، جلب سرمایه‌های چینی در بخش‌های زراعت، معادن و زیربنایی افغانستان نیز تحت شرایط معین که حاوی منافع هر دو کشور باشد، برای افغانستان کاملاً حیاتی است.

علاقه چین به داشتن ارتباط ترانزیتی از طریق افغانستان هم کم نیست. این کشور دوست دارد از راه پاکستان و افغانستان به ایران و خاورمیانه وصل شود و البته نباید از این موضوع که افغانستان می‌تواند از این فرصت بهره‌مند شود، غافل بود.

بنابراین داشتن چنین همکاری‌هایی، امیدهای زیادی در تعاملات فی مابین دو کشور ایجاد کرده و به نظر می‌رسد چشم انداز این روابط برای دو کشور خوب باشد.

بنابراین تردیدی نیست که دو کشور همسایه بتوانند در آینده نه چندان دور، منافع مشترک زیادی را برای هم تعریف کنند و نشست «فرایند استانبول» می‌تواند بهترین فرصت برای تحقق این مهم باشد.

چهارمین اجلاس موسوم به «فرایند استانبول» با موضوع افغانستان در تاریخ ۳۱ اکتبر در شهر پکن برگزار خواهد شد.

قرار است ضرار احمد مقبل عثمانی، سرپرست وزارت خارجه افغانستان ریاست هیأت اعزامی افغانستان به این اجلاس را به عهده داشته باشد.

ریاست چهارمین اجلاس وزرای امور خارجه فرآیند استانبول بر عهده عثمانی و وانگ یی همتای چینی وی خواهد بود. در این اجلاس وزرای امور خارجه و نماینده‌گان بلندپایه کشورهای همسایه افغانستان و دیگر کشورهای منطقه حضور پیدا خواهند کرد.

پیشنهاد برگزاری نشست گروه «روسیه و جهان اسلام»

تا پیش از پایان ۲۰۱۴



معاون وزیر امور خارجه روسیه پیشنهاد کرد، نشست گروه «روسیه و جهان اسلام» با ریاست رییس جمهوری تاتارستان پیش از پایان سال ۲۰۱۴ میلادی برگزار شود.

به گزارش خبرگزاری نووستی، میخائیل بوگدانف، معاون وزیر امور خارجه روسیه در دیدارش با احمد بدرالدین حسون، مفتی اعظم سوریه گفت: اگر شما موافقت کنید که در نشست این گروه شرکت کنید، بسیار ممنون می‌شویم و امیدواریم که نخستین گروه «روسیه و جهان اسلام» با ریاست رستم مینبخانف، رییس جمهوری تاتارستان تا پیش از پایان سال جاری میلادی برگزار شود.

وی افزود: رییس جدید این گروه رستم مینبخانف است و در حال حاضر از دوستان خارجیمان در جهان اسلام دعوت می‌کنیم

تا به این گروه بپیوندند. البته اول از همه از شخصیت‌های مذهبی دعوت می‌کنیم. گروه «روسیه و جهان اسلام» به دنبال پیوستن روسیه به «سازمان همکاری اسلامی» به عنوان ناظر در سال ۲۰۰۵ میلادی تشکیل شد. این گروه قصد دارد تا روابط روسیه با جامعه مسلمانان جهان را بهبود و توسعه بخشد.

تیم کرکت زیر ۱۹ سال افغانستان پاکستان را شکست داد



از سوی دیگر بازیکنان شانزده سال کرکت افغانستان در رقابت‌های کرکت آسیا در بازی‌های نهایی به تیم هانگ کانگ ۲۱۷ دوش هدف تعیین کرد. هرگاه این تیم به پیروزی دست یابد کپ آسیایی بازیکنان شانزده سال را از آن خود خواهد کرد.

تیم کرکت زیر ۱۹ سال افغانستان روز سه شنبه در یک بازی دوستانه، تیم کرکت پاکستان را شکست داد. پاکستان ابتدا بتنگ کرد و در ۳۲ آور ۱۳۲ دوش را به افغانستان هدف تعیین کرد که افغانستان توانست در ۱۵ آور این هدف را پوره کند.

سناتوران با انتقاد از افزایش نامنی:

اراده دولت وحدت ملی سُست شده است



اعضای مجلس سنا با انتقاد تند از ادامه و افزایش نا آرامی‌های اخیر در بسیاری ولایت‌های کشور، می‌گویند که حکومت از تب و تاب قاطعیت ابتدای باز مانده است. سناتوران در جلسه روز سه شنبه مجلس سنا از نا آرامی‌های اخیر در بدخشان، قندوز و برخی ولایت‌های دیگر که باعث نگرانی مردم شده یاد کردند و از حکومت وحدت ملی خواستند، با عاملان نامنی‌ها قاطعانه برخورد کنند.

بشیراحمد صمیم عضو سنا با اشاره به نا امنی‌های اخیر در بدخشان و قندوز گفت: «اراده حکومت وحدت ملی برای جلوگیری از نا امنی‌ها سست شده و از تصمیم‌های قاطع ابتدایی کاسته شده است». آقای صمیم افزود: سولاتی در رابطه به حمله گروهی طالبان بر پاسگاه‌های امنیتی در ولسوالی وردوج بدخشان بوجود آمده که چطور مخالفین چنین حمله غافل گیرانه ای انجام داده می‌توانند و نیروهای امنیتی هم ده بار از یک سوراخ گزیده می‌شوند. اوایل هفته جاری حدود ۳۰۰ طالب مسلح بر پاسگاه‌های امنیتی ولسوالی وردوج بدخشان حمله کردند و ۱۰ سرباز و مقداری اسلحه و مهمات را با خود بردند.

اعضای مجلس سنا می‌گویند که طالبان این گونه حملات را با هماهنگی افرادی در داخل صفوف نیروهای امنیتی برنامه ریزی می‌کنند. آقای صمیم بیان کرد: «طالبان به کمک افرادی که در داخل صفوف نیروهای امنیتی دارند؛ چنین حملاتی را برای تجهیز خود انجام می‌دهند». علی اکبری جمشیدی دیگر عضو سنا نیز می‌گوید که طالبان بدون همکاری باشدگان محل و افرادی در درون حکومت نمی‌توانند کاری از پیش برند. آقای جمشیدی افزود: «افرادی در درون حکومت که تجهیزات و سلاح‌های نیروهای امنیتی را به این بهانه به طالبان تحویل می‌دهند و آنان که طالبان را به خانه‌های شان جا می‌دهند باید به عنوان خاینین ملی به اشد مجازات محکوم شوند و اگر اینطور نشود حکومت چه گونه از سربازان و مردم مظلوم حمایت خواهد کرد». نجیبه حسینی دیگر عضو مجلس نیز خاطر نشان کرد: سران حکومت وحدت ملی در دوران مبارزات انتخاباتی طرح‌های خوبی امنیتی را ارایه می‌کردند؛ اما امروز که خودش به قدرت رسیده، مردم را فراموش کرده و از آن برنامه‌ها نیز خبری نیست. سناتوران می‌گویند که تمامی مشکلات و نا امنی‌ها در کشور ثمره بی بی توجهی به مردم است و تا زمانی که حکومت در برابر قضایای نامنی، فساد و تطبیق قوانین قاطعانه عمل نکند؛ کاری از پیش برده نمی‌تواند. حدود یک ماه از تشکیل دولت وحدت ملی می‌گذرد؛ اما این حکومت تاکنون به تشکیل کابینه‌اش موفق نشده و آگاهان یکی از دلایل تشدید نا آرامی‌ها را در کشور اداره وزارت خانه‌ها و ولایات توسط سرپرستان عنوان می‌کنند.



طعنه جنجالی راموس به ژاوی



سرخیو راموس پاسخ صحبت‌های ژاوی را داد و عنوان کرد رئال در ال‌کلاسیکو کاملاً تیم برتر میدان بود. رئال مادرید و بارسلونا شبیه در ال‌کلاسیکو ۲۶۱ به مصاف هم رفتند که کلهکشانی‌ها موفق شدند با ارائه یک بازی برتر با نتیجه ۳ بر یک به پیروزی برسند. ژاوی، کاپیتان بارسلونا پس از پایان این دیدار عنوان کرد بارسلونا مستحق چنین نتیجه‌ای نبود و رئال مادرید تنها روی ضدحملات برنامه‌ریزی کرده بود و چیز خاصی برای ارائه نداشت.

سرخیو راموس در جواب صحبت‌های ژاوی گفت: هر کس هر نظری می‌تواند داشته باشد. باید واقع‌بین و با شرایط فوتبال آشنا بود تا بتوان درباره این بازی اظهار نظر کرد. زیبایی فوتبال همین است. من به تمام نظرانی که درباره این بازی داده می‌شود احترام

داد که به دنبال جذب رویس نباشند. او گفت: تلاش بایرن‌مونخ و بارسلونا برای جذب رویس راه به جایی نخواهد برد. اصلاً قصد نداریم این بازیکن را به هیچ تیمی بفروشیم. اطمینان دارم که رویس می‌خواهد سال‌های سال در دورتموند بماند.

رویس در چند سال اخیر یکی از بهترین بازیکنان دورتموند بوده است. عملکرد خوب او در این تیم باعث شده است تا باشگاه‌های سرشناس اروپایی به دنبال جذب او باشند اما کلوپ به همه هشدار داد که در اندیشه جذب این مهاجم نباشند: «به همه هشدار می‌دهم که اصلاً درباره رویس فکر نکنند؛ چرا که اجازه نمی‌دهم او به تیم دیگری برود. مارکو در ایدونا پارک می‌ماند و اطمینان دارم که او به هیچ تیمی نمی‌رود».

باشگاه بوروسیا دورتموند اصرار دارد که ستاره جوان خود را حفظ کند. پیش از این هم هانس یواخیم واتسکه، رئیس اجرایی باشگاه دورتموند به باشگاه بایرن هشدار داد که اصلاً به دنبال جذب رویس نباشد؛ چرا که این بازیکن را به هیچ وجه نخواهند فروخت. پیش از این روزنامه بیلد نوشت که رقم فسخ قرارداد رویس ۲۵ میلیون یورو است و همین مسئله باعث شد تا سران بایرن به دنبال جذب او باشند. دورتموند امشب در جام حذفی آلمان برابر سن‌پائولی به میدان خواهد رفت و در هفته دهم بوندسلیگا باید در دیداری حساس برابر بایرن‌مونخ به میدان برود.

کلوپ:

در بحران خطرناکی قرار داریم



سرمری دورتموند می‌گوید این تیم در بحرانی خطرناک قرار گرفته است. بوروسیا دورتموند در فصل جدید بوندسلیگا نمایش ضعیفی داشته و با ۵ شکست از ۹ دیدار خود در رده نازل پانزدهم قرار گرفته است. یورگن کلوپ، سرمری دورتموند معتقد است تیمش در بحران خطرناکی قرار گرفته است. او درباره شرایط تیمش گفت: شروع بسیار بدی در بوندسلیگا داشتیم. متأسفانه با شکست‌هایی که داشتیم شرایطمان خیلی سخت شده است. در حال حاضر در بحران خطرناکی قرار گرفتیم. در تیم من ترس از پیروز نشدن وجود دارد. از همان ابتدای مسابقه بدون روحیه برابر حریف خود به میدان می‌رویم و می‌ترسیم که پیروز شویم. مصدوم و محروم نداریم ولی نمی‌دانم چرا بازیکنانم در بهترین شرایطشان قرار ندارند. کلوپ به باشگاه‌های بایرن‌مونخ و بارسلونا هشدار

روماریو:

نیمار از پله بهتر می‌شود



تمجید از نیمار گفت: نیمار با این که جوان است، می‌داند چه اهمیتی برای تیم ملی برزیل و دنیای فوتبال دارد. او عملکرد بسیار خوبی در تیم ملی برزیل داشته و آن هم به این دلیل بوده که به خوبی می‌داند چه انتظاراتی از او وجود دارد.

روماریو ادامه داد: او بازیکنی است که توانایی تاریخ‌سازی در فوتبال برزیل را دارد. او تنها ۲۲ سال سن دارد و توانسته به این همه افتخار دست یابد. مطمئنم که او از پله هم بهتر خواهد شد و از او پیشی خواهد گرفت. روماریو با ۵۵ گل ملی در ۷۰ بازی برای تیم ملی برزیل سومین گلزن برتر فوتبال این کشور محسوب می‌شود و نیمار در رده پنجم قرار گرفته است. رونالدو و زیکو نیز در رده‌های دوم و چهارم قرار دارند.

ستاره سابق سلسائو با تمجید از نیمار عنوان کرد، این بازیکن جوان از پله بهتر خواهد شد. نیمار در ۲۲ سالگی بازوبند کاپیتانی تیم ملی برزیل را به بازو بسته است و در ۵۸ بازی ملی توانسته ۴۰ گل به ثمر برساند که رکورد بسیار خوبی محسوب می‌شود. در صورتی که پله در ۹۲ بازی ملی برای برزیل ۷۷ گل را به ثمر رسانده و به نظر می‌رسد که نیمار جوان بتواند در آینده‌ای نه چندان دور رکورد پله را در تیم ملی برزیل بشکند. روماریو، بازیکن سابق تیم ملی برزیل و سیاستمدار فعلی با

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد»

Year 6 NO 1402 Wednesday 29 October 2014

DAILY

Mandegar

په ټاکنیز سیستم کې اصلاحات باید څه وخت او له کوم ځایه پیل شي



په ټاکنیزو ادارو کې اصلاحات راوستل اوس د یوې ملي اړتیا په توګه مطرح شوې ده او ټول ملت د ملي یووالي حکومت ته سترګې په لاره دي، چې په دې برخه کې به عملي او کولې ګامونه کله واخلي.

د ملي یووالي د حکومت رامنځته کېدو په سیاسي توافقپاڼه کې دواړو مشرانو اشرف غني احمدزي او عبدالله عبدالله ژمنه کړې، چې په ټاکنیز سیستم کې به اصلاحات راولي.

په هېواد کې د خراب ټاکنیز سیستم له امله د ولسمشرۍ او ولایتي شوراګانو ټاکنې له کرکېچ سره مخ شوې. د دغه خراب سیستم او فاسدو چارواکیو له امله ټاکنې په هېواد کې بحران جوړونکې شوې. په ولسمشریزو ټاکنو کې یې د یو لوی اکثریت حق تر پښو لاندې شو او په ولایتي شوراګانو کې ډېری کسان د پیسو په بدل کې بریالي شول.

بې د نورو کسانو ګومارل نشي کولای اوسنی ستونزې له منځه یوسي.

که چېرې د ټاکنو قانون بدلېږي، دا به یوه اوږده پروسه په بر کې ونیسي. مثلاً تر اوسه روښانه نه ده چې د نوي قانون مسوده یا طرحه چا جوړه کړې او یا یې پرې فکر کړی که نه. له هغې وروسته به هغه د وزیرانو شورا، بیا ولسي جرګې او بیا هم د ولسمشر توشیح ته ورځي. چې ګم تر ګم به یو کال یا اته میاشتې وخت ونیسي. د دې ترڅنګ ولسي جرګه نشي کولای د واک په وروستی موده کې قوانینو ته بدلون ورکړي، چې په دې برخه کې قانوني ستونزې هم شته.

بله مساله دا ده، چې په هېواد کې ټول ټال په ټاکنو کې کابو اته میلیونه وګړي د رایه ورکولو په شرایطو برابر دي؛ خو د رایې کارونه بیا ۱۴ میلیونه وپشل شوي دي. په اوسنيو کارتونو د بیا ټاکنو ترسره کول په هېڅ صورت ممکن نه دي. خو نوی حکومت نشي کولای چې له سره نوي کارونه وپېشي، ځکه له یوې خوا ډېر وخت اخلي او له بلې خوا ډېر لګښت پرې راځي، چې افغانستان یې توان نه لري.

یوازینی حل لاره د برېښنایي تذکرو وپېشل دي. خو ایا کېدای شي چې په اتو میاشتو کې ټول افغان ملت ته برېښنایي تذکرې وپېشل شي؟ حد اقل دا پروسه به درې کاله وخت وغواړي. ځکه افغانستان دا ظرفیت نه لري چې په هر کلي یا ولسوالۍ کې د برېښنایي تذکرو وپېشلو ماشینونه دروي.

د دواړو کمېسیونونو په دندو، صلاحیتونو او مسوولیتونو له سره غور کول په کار دي. یا په بله مانا چې د کمېسیونونو د دندو، صلاحیتونو او تشکیل قانون تعدیل ته اړتیا لري، چې دا به هم د ټاکنو د قانون په شان یو اوږده پروسه په مخ کې ولري.

کمېسیونونو ته د پاکو او بې طرفه کسانو ګومارل بله ستونزه ده. نشي کېدای چې په ټول هېواد کې د ټاکنو مامورینو لپاره داسې کسان وګومارل شي، چې هغوی په ټاکنو کې بې پرې پاتې شي. اړتیا ده چې د دې کسانو د پېژندلو لپاره یو لړ معیارونه وضع شي. که چېرې د کمېسیون اوسني مامورین چې په درغلیو کې ښکېل دي، محاکمه او په سزا ورسول شي، ښایي پر راتلونکیو مامورینو هم اغېز وښندي.

تر اوسه د دې مسایلو په اړه د ملي یووالي حکومت مشرانو وضاحت نه دی ورکړی. باید په دې اړه غور وکړي او یوه معقوله لار پیدا کړي. که چېرې له دوی سره د دې مسایلو حل او په ټاکنیز سیستم کې په اتو میاشتو کې د راتلونکیو اصلاحاتو راوستلو اسانه لار وي، نو په کار ده چې ملت ته یې روښانه کړي. بله دا چې هر څه ژر باید لاس په کار شي. ځکه له یوې خوا ستونزې ډېرې دي او له بلې خوا وخت خورا کم دی او ورځ په ورځ کمېږي.

که چېرې هدف دا وي چې د اصلاحاتو تر راوستلو دې پارلماني ټاکنې شاته وغورځېږي، دا له اساسي قانون سره خلاف راځي. هیله من یو، چې حکومت په دې اړه هر څه ژر اقدام وکړي په ټاکنیز سیستم کې د اصلاحاتو راوستل پلې کړي.

کنفرانس فرایند استانبول برای افغانستان؛

فرصتی جدید برای تعریف منافع مشترک پکن و کابل



چهارمین اجلاس منطقه‌یی «فرایند استانبول برای افغانستان» که کمتر از دو روز دیگر در پکن برگزار می‌شود، فرصت جدیدی برای تعریف منافع مشترک پکن و کابل است.

توافق موسوم به «فرایند استانبول» در سال ۲۰۱۱ با حضور ۱۴ کشور عضو منطقه، ۱۶ کشور عضو خارج از منطقه و ۱۲ سازمان بین‌المللی تشکیل شد.

بر اساس این توافق تمام کشورهای عضو می‌بایست، تلاش خود را در راستای امنیت و ثبات بیشتر برای افغانستان بکار بگیرند.

تاکنون سه نشست در این راستا برگزار شده که دو نشست به میزبانی ترکیه (استانبول و انقره) و یک نشست به میزبانی تاجیکستان بوده است.

گفته می‌شود، محور نشست در پکن نیز در راستای همان اهداف یاد شده باشد اما براساس اظهار نظرهای کارشناسان اقتصادی، چین علاوه بر میزبانی نشست دور چهارم، به دنبال اهداف دیگری است.

به عقیده آنان، استراتژی چین در قبال افغانستان، بیشتر بر پایه نفوذ اقتصادی و بازرگانی استوار است و چین درصدد آن است تا با فرصت پیش آمده، دامنه این همکاری‌ها را گسترش بیشتری دهد.

توسعه همکاری در زمینه‌های تجاری، صنعتی، انرژی، بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، احداث خطوط آهن، راهسازی و ... از مواردی است که چین همواره به آن توجه داشته است.

به همین خاطر است که کارشناسان معتقدند، نشست پیش رو بیش از آن‌که برای افغانستان مهم باشد برای چین دارای اهمیت است.

کارشناسان و مقامهای افغانی هم سفر رئیس‌جمهور افغانستان را به چین و نقش مهم این کشور در تامین صلح و ثبات در افغانستان را مهم ارزیابی می‌کنند و معتقدند که ممکن است با خروج بخش اعظم نیروهای بین‌المللی تا پایان سال جاری میلادی از افغانستان، کمک‌های این کشورها به کابل نیز کاهش یابد از این رو حضور چین در افغانستان مهم به نظر می‌رسد.

چین که امروز از آن به عنوان دومین قطب بزرگ اقتصاد نام برده می‌شود، نیک می‌داند که افغانستان با توجه به روی کار آمدن دولت جدیدش می‌تواند بازار خوبی برای این کشور در آینده باشد و میزبانی این نشست فرصت خوبی... ادامه صفحه ۶

تأکید نماینده سازمان ملل بر نقش

پاکستان در آوردن صلح در افغانستان

یان کوبیش نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان و سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و طارق فاطمی دستیار ویژه نخست وزیر پاکستان در امور خارجی درباره برقراری صلح و امنیت در افغانستان و گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی گفت‌وگو کردند.



نماینده سازمان ملل متحد در افغانستان بر نقش برجسته پاکستان در راستای تأمین صلح در افغانستان تأکید کرد.

یان کوبیش با اشاره به اهمیت نقش پاکستان در برقراری صلح و ثبات و گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی با افغانستان به تعهد سازمان ملل متحد به پاکستان در تمام مسائل از جمله توسعه اقتصادی و بازگشت مهاجرین افغان به این کشور اشاره کرد.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفا تر خا رچی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

نارسیده به منزل یا دفا تر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفا تر

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰